

(وکالت در میدان تهدید)

✍ به قلم دکتر علی محمدی

مقدمه

وکالت، به عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه، نیازمند استقلال، امنیت و حمایت قانونی است. وکیل، مدافع حقوق شهروندان در برابر قدرت حاکم و ضامن اجرای عدالت است. با این حال، در سال‌های اخیر، گزارش‌های متعددی از تهدید، ضرب و جرح و حتی قتل وکلا در جریان انجام وظایف حرفه‌ای منتشر شده است. این پدیده که می‌توان آن را «وکیل‌کشی» نامید، نه تنها جان و حیثیت وکلا را تهدید می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به نظام عدالت را نیز تضعیف می‌سازد. پدیده شوم وکیل‌کشی به عنوان یکی از چالش‌های نوظهور در نظام حقوقی ایران، تهدیدی جدی برای استقلال و امنیت حرفه‌ای وکلا محسوب می‌شود. افزایش خشونت‌های فیزیکی و روانی علیه وکلا، از تهدید و توهین گرفته تا قتل، نشان‌دهنده خلأهای قانونی و نهادی در حمایت از این قشر کلیدی نظام عدالت است.

● عوامل مؤثر در گسترش این پدیده شوم

۱- خلأهای قانونی در حمایت کیفری از وکلا

در قوانین کیفری ایران، حمایت صریح و کافی از وکلا در برابر تهدیدات و خشونت‌ها وجود ندارد. برخلاف قضات و ضابطان، وکلا از حمایت‌های ویژه قانونی برخوردار نیستند. در قانون مجازات اسلامی، هیچ ماده مستقلی برای جرم‌انگاری تهدید، توهین یا خشونت علیه وکلا وجود ندارد.

۲- تصویر منفی رسانه‌ای از وکلا:

تصویرسازی منفی از وکلا در برخی رسانه‌ها و تولیدات فرهنگی، یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری ذهنیت منفی عمومی نسبت به این حرفه شریف است. تحریف روابط حرفه‌ای وکیل و موکل در آثار نمایشی، باعث شده مردم در صورت شکست در پرونده، وکیل را مقصر بدانند و حتی به خشونت متوسل شوند.

متأسفانه در بسیاری از موارد، به‌جای نمایش نقش واقعی وکلا در دفاع از حقوق مردم، تصویری منفی و اغراق‌آمیز از آنان ارائه داده می‌شود. این تصویر کلیشه‌ای باعث شده مردم، به‌ویژه در پرونده‌های حساس، به وکیل به چشم یک تاجر قانون نگاه کنند، نه مدافع عدالت. در یادداشتی از روزنامه شرق آمده است که این نوع بازنمایی رسانه‌ای، به ترویج گفتمان وکیل‌ستیزی و افزایش خشونت علیه وکلا دامن زده است. این موضوع نه‌تنها به کاهش اعتماد مردم به وکلا منجر می‌شود، بلکه زمینه‌ساز خشونت‌های کلامی و حتی فیزیکی علیه آنان نیز شده است.

۳- فقدان آموزش‌های ایمنی و روانی:

وکلا، به‌ویژه کارآموزان، بدون آموزش‌های لازم در زمینه مدیریت بحران، امنیت شخصی و مواجهه با پرونده‌های پرخطر و پرتنش وارد عرصه وکالت می‌شوند. نبود آموزش‌های ایمنی و روانی برای وکلا، به‌ویژه کارآموزان، یکی از خلأهای جدی در نظام تربیت حرفه‌ای وکلا در ایران است. این خلأ می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای سلامت روانی و امنیت شخصی وکلا داشته باشد. وکلا در پرونده‌های با موضوعات حقوق بشر، کیفری یا خانوادگی، با وضعیتی پرتنش و موکلان آسیب‌دیده مواجه‌اند. این مواجهه مکرر می‌تواند منجر به فرسودگی شغلی، اضطراب، ترومای ثانویه و حتی افسردگی بشود. با این حال، در دوره‌های کارآموزی وکالت، هیچ آموزش رسمی در زمینه مدیریت بحران، امنیت شخصی یا سلامت روانی ارائه نمی‌شود.

۴- نبود ساختار حمایتی مؤثر:

کانون‌های وکلا و مراکز وکلای قوه قضاییه تاکنون اقدامات ملموس و مؤثری برای حمایت از اعضای خود در برابر تهدیدات انجام نداده‌اند. حمایت بیشتر در حوزه‌های اداری و انتظامی تعریف شده، نه در برابر تهدیدات جانی یا امنیتی. همچنین صندوق حمایت وکلا که در سال ۱۳۵۵ تأسیس شده، صرفاً پوشش بیمه‌ای برای بازنشستگی، فوت و ازکارافتادگی ارائه می‌دهد و هیچ نقشی در حمایت امنیتی یا حقوقی از وکلای تهدید شده ندارد. در عمل، می‌توان گفت هیچ نهاد دائمی یا کمیته‌ای برای رسیدگی فوری به تهدیدات علیه وکلا در ساختار رسمی کانون‌ها و مراکز تعریف نشده است. نبود سازوکار حمایتی، باعث ترس، خودسانسوری و انصراف از پذیرش پرونده‌های حساس و خاص شده است. متأسفانه در برخی موارد، حتی پس از وقوع خشونت یا قتل، کانون‌ها و مراکز واکنش مؤثر و پیگیرانه‌ای نشان نداده‌اند.

● پیامدهای وکیل‌کشی بر نظام عدالت

۱- تضعیف استقلال وکالت

وکیل مستقل، یکی از ارکان دادرسی عادلانه است. اما وقتی جان وکیل در معرض تهدید باشد، استقلال حرفه‌ای او نیز به خطر می‌افتد.

تهدید و حمله به یک وکیل، علاوه بر نقض امنیت فردی و اجتماعی، نقض عدالت محسوب می‌شود.

۲- کاهش انگیزه وکلا برای پذیرش پرونده‌های خاص و حساس

وکلایی که در معرض خطر قرار دارند، از پذیرش پرونده‌های امنیتی، خانوادگی یا کیفری سنگین خودداری می‌کنند. این موضوع به محرومیت برخی شهروندان از حق دفاع مؤثر منجر می‌شود.

۳- افزایش خودسانسوری در دفاع از حقوق موکلان

ترس از تهدید یا خشونت، باعث می‌شود وکلا در دفاع از موکلان خود محتاطانه‌تر عمل کنند. این خودسانسوری، عدالت را از درون تهی می‌کند.

۴- بی‌اعتمادی عمومی به نظام قضایی

وقتی مردم ببینند حتی وکیل هم امنیت ندارد، اعتمادشان به عدالت و قانون سلب می‌شود. این بی‌اعتمادی می‌تواند به گسترش خشونت، قانون‌گریزی و حتی خودسری‌های اجتماعی منجر شود. به عبارت دیگر وقتی مردم ببینند حتی وکیل که نماد دفاع از قانون و عدالت است، در امان نیست، این پیام را دریافت می‌کنند که قانون قدرت محافظت ندارد. این بی‌اعتمادی می‌تونه پیامدهای اجتماعی و روانی گسترده‌ای داشته باشد. گسترش قانون‌گریزی و خودسری اجتماعی، تضعیف سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، افزایش فساد و بی‌ثباتی نهادی از پیامدهای بی‌اعتمادی به عدالت و قانون است.

۵- تضعیف جایگاه حقوق بشر

وکلاي مدافع حقوق بشر، بیش از دیگران در معرض تهدید هستند. حذف یا ترساندن این گروه، به معنای خاموش کردن صدای قربانیان و آسیب‌دیدگان است.

۶- آسیب به وجهه بین‌المللی نظام قضایی

در بسیاری از کشورها، تهدید علیه وکیل به‌عنوان تهدید علیه عدالت تلقی می‌شود. افزایش وکیل‌کشی در ایران، می‌تواند جایگاه حقوقی کشور را در مجامع بین‌المللی تضعیف کند.

● راهکارهای پیشنهادی

۱- اصلاح قوانین کیفری و الحاق وکلا به ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی

این ماده یکی از مهم‌ترین ابزارهای قانونی برای حمایت از مقامات رسمی در برابر توهین و تهدید است، اما متأسفانه وکلا در فهرست مشمولان این ماده قرار ندارند. در حالی که قضات و حتی کارکنان شهرداری‌ها مشمول حمایت هستند. این موضوع باعث شده که توهین یا تهدید علیه وکلا، صرفاً مشمول ماده ۶۰۸ (توهین ساده) باشد که مجازات خفیف‌تری دارد و بازدارندگی کافی ندارد. تصویب ماده‌ای مستقل برای جرم‌انگاری تهدید و خشونت علیه وکلا ضرورتی لازم و نه کافی برای مقابله با این پدیده شوم است. این امر موجب ارتقای

جایگاه قانونی وکلا به عنوان یکی از ارکان عدالت ، افزایش بازدارندگی در برابر تهدید و خشونت علیه وکلا، همترازی حمایت قانونی از وکلا با قضات و سایر مقامات رسمی می گردد.

۲- تشکیل نهاد حمایتی

- ایجاد کمیته حمایت از وکلای در معرض خطر زیر نظر کانون وکلا و مراکز وکلای قوه قضائیه در هر استان جهت ثبت و بررسی تهدیدات
- راه اندازی سامانه ثبت تهدیدات و خشونت ها علیه وکلا (گزارش تهدیدات علیه وکلا با امکان ثبت محرمانه و پیگیری فوری)
- ارائه حمایت های فوری (حفاظت فیزیکی، مشاوره حقوقی، پیگیری قضایی)
- ارتباط با نیروی انتظامی و قوه قضائیه برای اقدامات پیشگیرانه
- تدوین آیین نامه حمایت اضطراری از وکلا

۳- آموزش و توانمندسازی

- برگزاری کارگاه های امنیت شخصی، روان شناسی قضایی و مهارت های ارتباطی
- تدوین دستورالعمل های ایمنی برای مواجهه با پرونده های پرتنش

۴- تصویب قانون «شهادی عدالت»

تصویب این قانون برای وکلایی که در راه دفاع از عدالت کشته می شوند یک پیشنهاد قابل پیگیری است. برخلاف قضات و کارکنان قوه قضائیه که در قالب «شهادی عدلیه» شناخته می شوند، وکلا در صورت کشته شدن در حین انجام وظیفه، مشمول عنوان شهید یا حمایت های مشابه نمی شوند. تدوین قانونی در این زمینه لازم و ضروری است. در این راستا این موارد پیشنهاد می گردد ؛

- تدوین قانون و آیین نامه های اجرایی شهادی عدالت و تعریف شهید عدالت، وکیلی که در جریان دفاع از موکل یا انجام وظایف حرفه ای در معرض تهدید، خشونت یا قتل قرار گیرد.

- تشکیل کمیته بررسی مصادیق با حضور نمایندگان قوه قضائیه، کانون وکلا، مرکز وکلای قوه قضائیه، بنیاد شهید و وزارت کشور
- برخورداری خانواده وکلای کشته شده از مزایای بنیاد شهید، ثبت رسمی در فهرست شهدای ملی و حمایت‌های مالی و معنوی بازماندگان

۵- فرهنگ‌سازی رسانه‌ای

- تولید مستند و برنامه‌های تلویزیونی با محوریت نقش واقعی وکلا در تحقق عدالت
- راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای با شعارهایی مانند «امنیت وکیل، امنیت عدالت»
- دعوت از وکلای برجسته در رسانه‌ها برای گفت‌وگو و روشنگری
- اصلاح سیاست‌های رسانه‌ای در صداوسیما برای پرهیز از کلیشه‌سازی منفی

نتیجه‌گیری

در روزگاری که عدالت، چنان شمعی در باد، نیازمند پاسبانی خردمندانه است، پدیده شوم وکیل‌کشی، نه تنها زخمی بر پیکره نظام حقوقی، بلکه آتشی در خرمن اعتماد عمومی است. این رخداد، زنگ خطری است که وجدان جمعی را به تأملی ژرف فرا می‌خواند؛ تأملی که بی‌درنگ، همت و هم‌سویی نهادهای قانون‌گذار، قضایی، صنفی و رسانه‌ای را طلب می‌کند. امنیت وکیل، صرفاً خواسته‌ای صنفی نیست؛ بلکه ضرورتی بنیادین برای استمرار عدالت و صیانت از کرامت انسانی است. وکیل، در مقام مدافع حق، نه تنها حافظ قانون بلکه نگهبان وجدان اجتماعی است. اگر این نگهبانان، در سایه تهدید و هراس زیست کنند، نه تنها استقلال دستگاه قضایی به مخاطره می‌افتد، بلکه عدالت، آن گوهر گران‌سنگ تمدن، در غبار بی‌اعتمادی رنگ می‌بازد. ناامنی وکلا، پژواکی است از بی‌پناهی شهروندان در برابر ساختارهای قدرت و این خود نشانه‌ای از گسست میان مردم و عدالت است. در چنین هنگامه‌ای، امید آن است که تدبیر و درایت، راه را بر این تاریکی ببندد و امنیت این قشر شریف، چنان سپری برای عدالت، فراهم آید.

باشد که در سایه خرد و همدلی، عدالت بار دیگر قامت راست کند و وکیل، با طمأنینه و عزت، در سنگر حق ایستادگی نماید.